

آموزش مداوم راهی برای ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی

دکتر صفری ابراهیمی قوام

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی و مدیر گروه مطالعات تطبیقی

پژوهشکده تعلیم و تربیت

مقدمه

با ورود به قرن بیست و یکم، نقش آموزش هم از نظر پرورش خلاقیت و هم از نظر قادر ساختن افراد به بهره‌گیری بهتر از یک زندگی مفید و اثربخش به طور روزافزونی پر معنا تر و پر اهمیت تر می‌شود. ساختن جامعه‌ای که در آن افراد بتوانند آزادانه آنچه را دوست دارند، در هر زمان که دوست دارند در سراسر زندگی خود بیاموزند هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد. آموزش، نیم قرن است که به عنوان یک حق مسلم بشری و راهی مطمئن برای تحقق آرمانهای والای او مطرح شده است، اما این حق مرکز به معنای واقعی به اجرا گذاشته نشده است. در همین عصر کنونی و در شروع قرن جدید ۸۰۰ میلیون بیسواد بزرگسال در جهان وجود دارد و ۱۰۰ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله در خارج از مدرسه بیسر می‌برند علاوه بر این میلیونها نفر از آنانی که در مدرسه هستند از آموزشی که پاسخگوی نیازهای پایه‌یادگیری باشد بی‌بهره‌اند این در حالی است که امروزه با تغییرات سریع فن آوری اطلاعاتی، گستره آموزش پایه به حیطه‌هایی فراتر از پاسخگویی به

نیازهای پایه‌کشانده شده و در واقع آموزش پایه دیگر خود به خود هدف غایی و نهایی نیست بلکه مقدمه و شالوده‌ای برای یادگیری در طول زندگی است. بر این اساس، دیدگاهی که پیش از این در بسیاری از کشورها حاکمیت داشت مبنی بر اینکه آموزش ابتدایی به تنهایی یک آموزش کامل است چرا که غالب کودکان در پایان این دوره روانه بازار کار می‌شوند و تعداد قلیلی به دوره متوسطه و آموزشهای بالاتر راه می‌یابند، به این دیدگاه تبدیل شده است که آموزش ابتدایی تنها اولین مرحله از یک پیوستار آموزشی است که می‌تواند و باید در طول زندگی هر فرد تداوم داشته باشد. پذیرش آموزش در طول زندگی یا یادگیری در طول زندگی به عنوان یک خط مشی آموزشی، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه مورد تأیید و پذیرش قرار گرفته است و علی‌رغم محدودیت منابع، حاکی از آن است که آزادسازی آموزش اکنون به یک وظیفه و مسؤلیت جهانی مبدل شده است.

مفهوم آموزش در طول زندگی و یادگیری در طول زندگی اگرچه ریشه‌های فلسفی عمیقی دارد و می‌توان آن را از نظر تاریخی در صدر تلاشها برای همگانی کردن آموزش ردیابی کرد، بنظر می‌رسد اگر گرایشها و تحولات اخیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با آن همراه نمی‌گشت، نمی‌توانست به موقعیت کنونی برسد. این دو مفهوم به طرق مختلف انتظاراتی را که اکنون جوامع از آموزش دارند و گستره‌ای را که باید برای افراد فراهم شود تا هر کس بتواند توانایی فردی خود را ارتقا بخشد مطرح می‌نمایند.

مفهوم آموزش در طول زندگی اولین بار در دهه ۱۹۶۰ در بحثهای یونسکو در خصوص تحولات آینده در آموزش بزرگسالان مطرح شد. آموزش بزرگسالان در آن هنگام در میان کشورها بسیار متفاوت بود. در بسیاری از کشورها به دلیل تازه استقلال یافته بودن، اغلب بزرگسالان بیسواد بودند، حال آنکه این وضعیت در کشورهایی که برنامه‌های آموزش بزرگسالان در آنها از سابقه زیادی برخوردار بوده چنین نبود. علاوه بر این، از مفهوم خاص گروه سنی بزرگسالان که بگذریم، هیچ مفهوم واحد دیگری برای آموزش بزرگسالان وجود نداشت که بر اساس آن فراگیران بزرگسال آرمان یا هدف مشترکی را دنبال نمایند یا مفهومی که بتواند وضعیت آموزش بزرگسالان را در برابر جریان اصلی آموزش، که غالب هم با آن بی‌ارتباط و ناهنجار می‌نمود، توجیه نماید.

به دنبال برگزاری دومین کنفرانس جهانی آموزش بزرگسالان در ۱۹۶۰ و توصیه آن به دولت‌ها در خصوص ارائه آموزش بزرگسالان نه به عنوان یک بخش اضافی بلکه به عنوان پبخشی تفکیک‌ناپذیر یونسکو نیز موضوع را در دستور کار دوازدهمین اجلاس عمومی خرد قرار داد و از کشورهای عضو خواست که گونه‌های مختلف آموزش غیرمدرسه‌ای و آموزش بزرگسالان را به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از نظام آموزشی خود و به طوری که همه افراد در طول زندگی از فرصتهایی برای از سرگیری و ادامه یادگیری و در نتیجه مشارکت فعال در توسعه

اقتصادی - اجتماعی کشور برخوردار باشند، مورد بررسی

قرار دهند

این خواسته بین‌المللی نقطه آغاز پیدایش تفکر آموزش در طول زندگی بود و به زودی این شناخت نیز حاصل شد که برای طراحی راهبرد کلی آموزش غیرمدرسه‌ای و آموزش بزرگسالان، آموزش و مراحل مختلف بهم پیوسته و متوالی آن باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند.

این بحث در یونسکو بحثها و مذاکرات گسترده‌تری در سایر مجامع بین‌المللی را نیز به همراه داشت تا در ۱۹۷۶ به تشکیل کمیسیون توسعه آموزش منتهی گردید. گزارش کار این کمیسیون موضوع آموزش در طول زندگی را در سطح وسیعتری مطرح کرد و محور تمرکز را از آموزش به یادگیری تغییر داد. از نظر این کمیسیون یادگیری در طول زندگی و آموزش در طول زندگی مکمل یکدیگرند و در واقع دومی پیش شرط تحقق اولی است.

به طور کلی و بر اساس مفهوم یادگیری در طول زندگی، فرصتهای آموزشی باید در سراسر زندگی و در خارج از نظام آموزشی رسمی گسترده شود. در این یادگیری کانون اصلی توجه به جای مؤسسات رسمی، بر آموزش غیررسمی و در محلهایی گوناگون همچون خانه، محل کار و مراکز اجتماعی است. تفاوت مهم دیگر در این ارتباط نقش دولت است. در آموزش رسمی دولت نقش سازماندهی، مدیریت و تأمین اعتبار آموزش را بر عهده دارد، لیکن در یادگیری در طول زندگی این نقش به نقش و مسؤلیتی مشترک بین دولت، کارفرمایان و خود فراگیران تغییر یافته است.

گزارش حاضر بررسی اجمالی ساختارهای آموزشی مداوم یا در طول زندگی در چند کشور است که می‌تواند برخی از شاخصهای اصلی این آموزشها را تعیین و اطلاعات اولیه لازم را برای ایجاد و گسترش اینگونه فرصتهای یادگیری ارائه نماید (فقیهی - فاطمه ۱۳۸۰).

مفهوم آموزش مداوم در پیمایش اتحادیه اروپا بنا به گزارش دلور (۱۹۹۶) مفهوم آموزش مداوم این چنین تعریف شده است: بنا به رویکردهای قرن بیست و یکم، آموزش و پرورش وظایف و اشکال مختلفی دارد که تمام فعالیتهایش را برای توانا ساختن افراد از دوران کودکی تا بزرگسالی، کسب دانش پویا از جهان، دیگران و خودشان، تحت پوشش قرار می‌دهد و این امر کاملاً تحت چهار نوع اصلی یادگیری (یادگیری برای زیستن، یادگیری برای عمل، یادگیری با هم زیستن و یادگیری برای دانستن) قرار دارد.

اندکی پس از انتشار گزارش کمیسیون فوق، سومین کنفرانس جهانی آموزش بزرگسالان در ۱۹۷۲ تشکیل شد و موضوع اعلامیه جهانی حقوق بشر و اینکه حق آموزش و حق ادامه یادگیری برای همه افراد حقی است که باید همانند سایر حقوق اساسی همچون بهداشت، امنیت و گونه‌های مختلف آزادی‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد مورد تأکید قرار داد. در واقع پس از انتشار گزارش کمیسیون توسعه آموزش بود که آموزش در طول زندگی پدیدگیری در طول زندگی به تدریج به عنوان یک مفهوم واحد به کار گرفته شدند.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ سیاستگذاران آموزشی در کشورهای توسعه یافته امکان گسترش روز افزون نظام آموزش رسمی و تمام وقت و در عین حال امکان تأمین اعتبار آن را به وسیله دولت مورد تردید قرار داده بودند. لذا با اوج‌گیری بحث یادگیری در طول زندگی این کشورها طبع احساس نمی‌کردند که چنین آموزشی باید برای فراگیران رایگان باشد و در نهایت در اواخر دهه ۱۹۸۰ اندیشه تأمین اعتبار فرصتهای آموزشی بعد از دوره اجباری از طریق بودجه عمومی جای خود را به نوعی مسؤلیت مشترک، یا مشارکت بین دولت، کارفرمایان و فراگیران برای تأمین اعتبار این فرصتها و گذار کرد. این توزیع سه‌گانه مسؤلیت برای تأمین اعتبار آموزش در طول زندگی به گونه‌های مختلف در کشورهای صنعتی به اجرا گذاشته و به عنوان یک هنجار پذیرفته شد.

یکی از مسایل بنیادی قرن بیست و یکم، یادگیری در طول زندگی است که برای سازگاری با تحولات بازار کار و تسلط بیشتر بر ساختارهای در حال تغییر و وجود آدمی، لازم و ضروری است. دلور در این گزارش نه تنها گسترش بازار کار را مطرح می‌سازد بلکه رشد ممکن فردی که برای انسان بودن، ضروری است را نیز مطرح می‌کند.

تعاریف OECD از مفهوم یادگیری مداوم بدین شرح است: در این دیدگاه یادگیری شامل تحول فردی و اجتماعی از تمام انواع و در همه محیطها به طور رسمی در مدارس، مؤسسات حرفه‌ای، آموزش عالی و بزرگسالان و آموزش غیررسمی در خانه، محل کار و اجتماعات محلی است. این رویکرد، نظام گسترده‌ای است که مبتنی بر اطلاعات استاندارد شده (متداول) مورد نیاز برای همه بدون در نظر گرفتن سن می‌باشد. این رویکرد شامل تأکید بر آماده‌سازی و انگیزه ساختن تمام کودکان در سنین پایین برای یادگیری در طول زندگی‌شان و تلاشهای مستقیمی برای تأمین تمامی بزرگسالان، شاغل و بیکار و کسانی که نیاز به کسب یا ارتقاء مهارتهایشان دارند و ایجاد فرصتهایی برای انجام کارهایی از این قبیل دارند، می‌باشد.

مفهوم اولیه آموزش مداوم شامل آموزش غیررسمی نیز می‌شود و نقش عمده بر عهده مسئولان دولتی بود تا امکانات و نظام مدیریت و تأمین بودجه چنین آموزش را بر عهده گیرند اما در حال حاضر مشارکت تقسیم مسئولیتها مطرح می‌باشد و از بخش خصوصی و افراد

انتظار می‌رود در تأمین منابع مالی آموزش مداوم نقش فعالانه‌ای ایفا کنند.

نتایج پیمایش اتحادیه اروپا به شرح ذیل است. این پیمایش در کشورهای اتحادیه اروپا شامل بلژیک، دانمارک، آلمان، یونان، اسپانیا، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، اتریش، پرتغال، فنلاند، سوئد، انگلستان در سال ۱۹۹۹ انجام گرفته است. وزیرای آموزش و پرورش کشورهای اروپایی، آموزش مداوم را به عنوان راهنمای دستیابی به سیاستهایشان انتخاب کرده‌اند. مفهوم کلی یادگیری مداوم بر الگوهای مختلف اجرا مبتنی می‌باشد و هر یک از کشورهای مطابق با ماهیت نظام آموزشی خود، آن را تدوین و گسترش داده است. آموزش مداوم می‌تواند جوابگوی نیازهای اجتماع باشد و با ارائه فرصتهایی، زندگی افراد را متحول سازد. یافته‌های پژوهش بدین شرح می‌باشد:

نخست آنکه، فشار زیادی بر نظام آموزش و پرورش در سطوح مختلف وارد می‌شود اما گستره آن بسته به میزان مشارکت آنها در برنامه‌های یادگیری مداوم دارد. هرچه گستره آموزش مداوم وسیع‌تر باشد میزان فشارها کمتر و موفقیت بیشتر خواهد بود.

دوم آنکه، روندهای مشابهی در سطوح مختلف آموزشی در کشورهای اتحادیه اروپا قابل ملاحظه است مانند بهبود، گسترش و متنوع ساختن امکانات و تجهیزات، مبارزه با شکست و افت تحصیلی، استفاده از فن‌آوریهای اطلاعاتی و ارتباطی جدید، گسترش مشارکت درون و خارج از نظام

نماید خطمشی ملی آموزش بزرگسالان و جامعه بر اصول زیر استوار است:

۱) بزرگسالان نیازهای یادگیری متفاوتی دارند و طیف پاسخهای گوناگونی را نیز طلب می‌کنند.

۲) آموزش بزرگسالان باید با توجه به شرایط و محدودیت‌های گوناگون آنان، مناسب‌سازی، تشویق‌کننده و قابل‌دسترس شده باشد.

۳) سازمانهای محلی می‌توانند نیازهای جامعه محلی خود را شناسایی و در پاسخ‌گویی به آن تلاش نمایند.

۴) تمهیدات اجتماعی در صورتی می‌توانند کارآمدتر و اثربخش‌تر باشند که از همکاری بین بخشهای آموزش و حرفه‌آموزی برخوردار باشند.

۵) در ۱۹۹۶ ویژگیهای ساختاری آموزش بزرگسالان و جامعه به شرح زیر تبیین گردید:

۱) این آموزشها با پرداخت هزینه از سوی کاربران ارائه می‌شوند.

۲) کلیه آموزشها آزاد هستند و شرکت در آنها داوطلبانه است.

۳) آموزشها بر اساس پیوستاری در طول زندگی ارائه می‌شوند.

۴) آموزشها فرصتی دوم و فرصتهایی جبرانی به داوطلبان ارائه می‌کنند.

۵) آموزشها بخشی از آموزش رسمی نیستند و بنابراین ورودیه آنها و خروج از آنها بر اساس خواست شخصی است و مقررات خاصی ندارد.

آموزشی، افزایش انعطاف‌پذیری و صراحت درسیاستگذاریها.

سوم آنکه، فعالیتهای مختلفی در طی سالهای اخیر در آموزش و پرورش جهان تمهید شده است همچون مبارزه با شکست و افت تحصیلی، تعیین مهارتهای اساسی، مشارکت بین مدارس و بازار کار و تجارت و هدف آموزش مداوم شرکت در این جنبشها می‌باشد و منجر به پیشبرد اهداف مذکور شده است.

همانگونه که (Laderrri ۱۹۹۹) اظهار داشت، هدف یادگیری مداوم منجر به تغییرات اساسی در نقش مسئولان دولتی و منابع انسانی در سیاستگذاریهای نظام آموزشی و پرورشی گشت. برای تحقق اهداف آموزش مداوم هماهنگی و تجانس بین مؤسسات و طرحهای محلی و منطقه‌ای و راهبردهای کلی ایالت که تضمین‌کننده کیفیت آموزش و پرورش پایه ضروری است.

آموزش غیررسمی در استرالیا

در ۱۹۹۱ گزارشی با عنوان پیدایش آموزش بزرگسالان و جامعه (ACE) در مجلس استرالیا مطرح شد. پس از آن در

۱۹۹۲ خطمشی ملی مربوط به آموزش بزرگسالان و جامعه به وسیله وزرای ایالتی تدوین گردید. تأکید اصلی

این خطمشی بر این نکته بود که ACE یک فرصت آموزشی افزوده است که تکمیل‌کننده فرصتهای آموزشی

مدرسه‌ای، آموزشهای فنی و آموزش عالی است و می‌تواند راههای بدیلی برای دستیابی به آن آموزشها ارائه

در حال حاضر برنامه‌هایی که در قالب این نوع آموزش ارائه می‌شوند آنهایی هستند که یا اختصاصاً «برای آمادگی برای اشتغال و پرورش مهارت‌های شغلی ارائه می‌شوند و یا آنهایی که در زمینه‌های ارتقای فردی، صنایع دستی و هنرهای آزاد ارائه می‌گردند (فقیهی، فاطمه، ۱۳۸۰)

آموزش مداوم در استرالیا

در سال ۱۹۴۵ دولت استرالیا حوزه گسترده برنامه مهاجرت را طراحی نمود و در طی پنج دهه بالغ بر ۵/۵ میلیون پناهنده از ۱۶۰ کشور جهان در استرالیا زندگی می‌کنند (یورک ۱۹۹۵، ص ۷) از سال ۱۹۸۰ برنامه مهاجرت بطور قابل ملاحظه‌ای تنوع فزاینده یافته و مهاجران از کشورهای آسیای، روسیه، هند، شرق اروپا، آسیای میانی و آفریقا به استرالیا مهاجرت کرده‌اند. بنابه شرایط اقتصادی، استرالیا در سال ۱۹۹۰ رشد اشتغال پائین و سطح بیکاری بالا بوده است و این در حالی بود که رشد صنایع در جهت دستیابی به رقابت جهانی دستخوش تغییر و تحولات عظیمی شده بود. اکثر مهاجران به دلیل پائین بودن سطح سواد انگلیسی، کارشان را از دست می‌دادند و نیاز به بازآموزی مهارت‌ها و صلاحیت‌های لازم برای موقعیتهای کاری جدید داشتند. بسیاری از مهاجران ایتالیایی و یونانی که بیشتر از ۲۰ سال سن داشتند ساعات طولانی در کارخانه‌ها را انتخاب می‌کردند. ۷۹ درصد این افراد بین ۵۵ تا ۷۴ سال سن داشته و زبان مدرسان انگلیسی بوده و مهارت‌های سوادآموزی بسیار پائینی داشتند (کراوموزد، ۱۹۹۷، ص ۵ - ۴)

اکثر مهاجران غیرانگلیسی زبان، بیکار بودند و زنان و مردان ویتنامی، خاورمیانه، آفریقای شمالی و لبنانیها بیکار بودند، نه تنها مهاجران بلکه استرالیاییها و مهاجران انگلیسی زبان نیز به سرعت شغل خود را از دست می‌دادند. برای این افراد پیدا کردن کار در جریان سریع تغییر و تحولات کار دشواری بود صنایع به سرعت رشد می‌کرد و خدمات جدید جای صنایع پیشین را می‌گرفت و برای دستیابی به مشاغل مهارت‌های تکنولوژیکی و ارتباطی در کنار مصاحبات رسمی، آزمون‌های کتبی برای تقاضای کار، مهارت‌های ریاضی، نیاز بود.

استمرار بیکاری مهاجران منجر به کاهش پذیرش در برنامه مهاجرت شد در حال حاضر تأکید بیشتر به انتخاب مهاجران با قابلیت‌های بالای کارآموزی و زبان انگلیسی و مهارت‌ها و همچنین سرمایه (تاجران) است. دولت استرالیا برنامه آموزش زبان انگلیسی را برای بزرگسالان ترتیب داده است کلاس‌های شبانه، بعد از ظهرها، جمعه شب، یکشنبه و ساعات گوناگون و متغییری را برای مهاجران شاغل قرار داده است. برای زنان و همچنین آموزش از راه دور بنا به نیاز کسانی که منزوی بودند و یا به دلایل جغرافیایی و دشواری رفت و آمد از حضور در کلاس‌ها محروم بودند پیش‌بینی شد. این آموزش‌ها شامل کار، بهداشت و سوادآموزی خانواده‌ها بودند.

از سال ۱۹۹۰ آموزش زبان انگلیسی به سوی آموزش فنی - حرفه‌ای و اصلاحات حرفه‌ای گسترش یافت و

توسعه اجتماعی مبتنی بر یادگیری مداوم بسیار مهم است جایی که افراد می‌توانند آزادانه در هر مرحله زندگی خود فرصتهای یادگیری را انتخاب کرده و یاد بگیرند. از آنجایی که در سال ۱۹۸۰ اصطلاح یادگیری مداوم به طور فزاینده‌ای بین مردم ژاپن گسترش یافت. روزنامه‌های مطبوعه، نشریه‌های دولتی، ژورنالهای اقتصادی و تجاری، یادگیری مداوم مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت. بر طبق پیمایش اخیر بر روی یادگیری مداوم، که به دستور وزیر آموزش و پرورش انجام شد، شرکت در انواع مختلف برنامه‌های یادگیری از ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۴۸ درصد در سال ۱۹۹۲ رسید (وزارت آموزش و پرورش، علوم، ورزش و فرهنگ، ۱۹۹۶، ص ۱۰).

بجتهایی که پیرامون آموزش مداوم صورت می‌گیرد کاملاً در حیطه امور معمول است. این رویکرد به شدت به روندهای فردی و تفریحی اشاره دارد. از نظر بسیاری از ژاپنی‌ها، یادگیری مداوم به فعالیتهای خاصی مربوط است که عمدتاً برای خانه‌دارها و بازنشستگان جالب است. در واقع دیدگاه تفریحی آموزش مداوم بسیاری از دروس بزرگسالان مربوط به بهداشت فردی، ورزش، تغذیه، جو دو، فعالیتهایی مانند موسیقی، گل‌آرایی، رقص است که به مراتب در مقایسه با درس خاصی که منجر به کسب دانش و مهارتهای تخصصی مربوط به حرفه آموزشی می‌شود بیشتر است. مدتی دولت ژاپن درصدد ارتقاء سطح و کیفیت یادگیری مداوم در جامعه برآمد اما تلاشهای چندین موفقیت‌آمیز نبود و یا دلگرم‌کننده نبود. در طی

بین‌مهارت‌های زبانی، سوادآموزی، اشتغال، تولید و حرفه‌آموزی ارتباط برقرار گردید.

الگوهای کاری توأم با مسئولیت‌پذیری

معاملات حرفه‌ای و مهارت‌های جستجوی کار هماهنگ با برنامه‌های آموزشی زبان انگلیسی به مدت ۲ هفته به منظور آشنایی جویندگان کار با فن‌آوری‌های شغلی و متناسب با فرهنگ کشور استرالیا و مهارت‌های کاریابی، امرو جوانان و مسئولیت آموزش مدیران شاغل از جمله الگوهای نوین هستند. آموزش زبان انگلیسی از طریق کارگاه‌های آموزش زبان صورت می‌پذیرد.

۷۰ درصد از کسانی که زبانشان انگلیسی نباشد معمولاً در سال اول بیکار هستند. نتایج تجربیات نشان می‌دهد که باتدوین گسترده برنامه‌های درسی - علمی در سیاست‌ها و بنا بر نیازهای آموزشی بسیاری از مزایای اجتماعی برای مشارکت تمامی اعضا جامعه در یادگیری مادام‌العمر را ممکن می‌سازد. مشارکت در تغییرات آموزشی، زندگی افراد را بهبود بخشیده و موقعبیت‌ها و فرصت‌های زندگی را بهتر ساخته و مردم را توانمند ساخته تا از حداکثر امکانات به نحو احسن بهره‌جویند. این فرصت‌ها، مهارت‌هایی را ایجاد می‌نماید که بتوانند آموزش را در طول زندگی خود بطور مستمر ادامه دهند (Susan chou, Allebder (1999).

یادگیری مداوم در ژاپن

ژاپن دارای اجتماعی است که آموزش مداوم در آن یادگیری ارزشمند و عملی است. به منظور مشارکت همه‌جانبه و فعال مردم ژاپن در قرن بیست و یکم، ساخت و

سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ شورای ملی اصلاحات آموزشی کمیته‌ای را به این منظور تشکیل داد که به محقق کامل این نوع یادگیری منجر شد.

این کمیته توانست مکانیزمی را طراحی کند که موجب ارتقاء مفهوم یادگیری مداوم شد و آموزش مداوم را به سطح ملی و محلی کشاند. شکلی که بوجود آمده بود ناشی از سیاستهای مدارس آموزش متوسطه، ابتدایی و مؤسساتی برای یادگیری مداوم تلقی می‌شد، بود.

تجارب ژاپن در خصوص آموزش مداوم می‌تواند برای سایر کشورهای آسیا - اقیانوسیه در گسترش و اجرای سیاستها و برنامه‌ها مفید و مؤثر واقع شود. ارزشمندترین تجربه ژاپن در گسترش ظرفیت محیطهای یادگیری است یعنی آنچه که می‌توان انجام داد یا از انجام آن اجتناب نمود، از طریق استفاده از آموزش مداوم قابل حل است.

در ژوئن ۱۹۹۰، دولت ژاپن قانونی را برای گسترش مکانیزمها و سنجش شرایط یادگیری مداوم تصویب نمود این قانون نظامها و پروژههایی که قابل اجرا در سطح ملی و منطقه‌ای باشند و باعث ارتقاء یادگیری مداوم گردند را پیشنهاد کرد مانند:

تشکیل شوراهای یادگیری در سطح ملی و منطقه‌ای که مرکب از متخصصان زمینه‌های مختلف و بخش خصوصی را نیز شامل می‌شود این طرح نظامی برای برنامه‌ریزیهای توسعه و اجرای ارزیابی‌های محلی از یادگیری مداوم است. ارائه یادگیری مداوم و طرحواره‌های

مشارکت برای شهرداریها و مناطق. بنابه کاربرد پروژه‌های ارزیابی برنامه‌های یادگیری ارائه می‌شود و پیمایش‌هایی که منجر به ارزیابی تقاضای یادگیری و نیازهای ساکنان مناطق می‌شود.

برطبق این قانون جدید، شورای ملی یادگیری مداوم در سال ۱۹۹۰، در وزارتخانه آموزش و پرورش، علوم، ورزش و فرهنگ تأسیس شد. شورا سیاستهای یادگیری مداوم را تسهیل و اجرا کند و تأسیس شوراهای یادگیری مداوم در سطح کشوری آغاز نمود.

از آن زمان تاکنون تقریباً ۸۵٪ از مناطق، نظامهای برنامه‌ریزیشان مطابق با یادگیری مداوم شده است که توأم با فعالیت‌هایی است که در بین هیئت آموزش و پرورش مناطق و سایر دپارتمانهای دولتی محلی اجرا می‌شود و این درحالی است که از ۱۹۹۵، ۶۵٪ مناطق شوراهای آموزش مداوم را تشکیل داده‌اند. علاوه بر این، تقریباً ۶۰٪ شهرداریها، نظام‌هایی را توسعه داده‌اند که به‌طور فعالانه یادگیری مداوم را از طریق وزارت آموزش و پرورش، علوم، ورزش، جوانان و فرهنگ ۱۹۹۶ فعالیت‌های مختلف از جمله کنفرانس‌های ارتقاء یادگیری مداوم، ترتیب داده‌اند. این قانون توانست مجموعه‌ای از راهبردها را برای ایجاد پشتیبانی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های یادگیری مداوم مهیا سازد که عبارتند از:

۱- رهبران آموزش اجتماعی

این پروژه به تعیین و تأیید صلاحیت شغلی کسانی که زمینه‌های آموزش عملی دارند، به عنوان مربیان

در تعطیلی مدارس برگزار می‌شود. فعالیت‌های چرخه‌ای برای کودکان خردسال بوده و آنها را تشویق به یادگیری، بازشناسی مسائل و جستجوی راه‌حل ابداعی و نوآورانه می‌کند. این فعالیت‌های یادگیری مداوم در طی دوره حساس رشد و تحول صورت می‌گیرد. شورای ملی یادگیری مداوم بویژه برای فعالیت‌های خارج از مدرسه برای جوانان و ارتقاء سطح یادگیری مداوم، نقش بسیار مهمی دارد.

۲- ارتقاء یادگیری مداوم برای زنان

در ژاپن، ساختن اجتماعی که در آن زنان بطور کامل فرصت مشارکت داشته باشند بسیار مهم است. این مسئله مستلزم تغییر یافتن کلیشه‌های سنتی و تفکیک نقش‌هاست. موجب ایجاد فضایی می‌شود که ساختن اجتماعی که در آن زنان به راحتی می‌توانند در هر زمینه‌ای مشارکت جویند، به منظور ساختن چنین اجتماع گسترده‌ای، وزارت آموزش و پرورش، علوم و ورزش و فرهنگ فرصت‌های زیادی را برای مشارکت زنان بنا به توانایی‌هایشان بوجود آورده است.

۳- ارتقاء یادگیری مداوم

این جزئی از پروژه ارتقاء یادگیری در طول زندگی جوامع محلی است و هدف اصلی آن افزایش فعالیت‌هایی است که بطور گسترده وسعت یافته اندوختی به شکل جهانی در رویکرد جغرافیایی جوامع محلی رسوخ کرده‌اند. موضوعات جالبی ممکن است از طریق این پروژه مورد حمایت قرار

آموزش غیررسمی (در ژاپن به عنوان آموزش اجتماعی معروفند مانند کارفرمایان با تجربه) و هدفشان آموزش به جوانان، زنان و شهروندان فقیر است. این طرح از سال ۱۹۷۲ آغاز شده است.

۲- ارتقاء فعالیت‌های داوطلبان

بر طبق گزارش ۱۹۹۲ شورای ملی یادگیری مداوم، فعالیت‌های داوطلبان، نوعی تجربه یادگیری مداوم است که موجب تحول فردی می‌شود و رشد داوطلبان باعث کمک به سایر اعضای جامعه می‌شود. در نتیجه دولت به این پروژه به قصد گسترش محیط‌های یادگیری داوطلبان، در اجتماع محلی بودجه‌ای را اختصاص داد. هدف این برنامه ایجاد فضایی است که افراد در تجارب تخصصی یکدیگر سهیم شوند در حالی که شورای محلی داوطلبان از طریق فعالیت‌های متنوعی در سطح منطقه‌ای اقدامات خود را انجام می‌دهد.

۳- یارانه ملی در ارائه یادگیری مداوم

اخیر دولت ملی از طریق وزارت آموزش و پرورش، علوم، ورزش و فرهنگ دولتهای محلی را تشویق به اجرای برآوردهای دیگری نمود که منجر به ارتقا یادگیری مداوم می‌شود، این امر با استفاده از یارانه برای ایجاد تنوع در الگوهای پروژه‌ها که درون مناطق و شهرداریها اجرا می‌شود، صورت گرفت.

۴- اجتماع فعالیت‌های دوره‌ای (چرخه‌ای)

این پروژه در سال ۱۹۹۲ توسط وزارت آموزش و پرورش، علوم، ورزش و فرهنگ آغاز شد. این پروژه

گیرند مانند محیط زیست جهان سیر جنبش مصرف‌کنندگان و روابط بین‌المللی.

7- بسط و گسترش دروس مدرسه

این پروژه درهای مدارس بالاتر از متوسطه و کالج‌های تخصصی رابه مردم اجتماع محلی باز می‌کند. لذا فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های شغلی خاص فراهم می‌سازد مطالعه آزادانه رشته‌های را فراهم می‌آورد. در این پروژه مدارس و کالج‌های مذکور را تشویق می‌کند تا موضوعات جدیدی همچون موضوع کهنسالان، ایدز بپردازد.

8- اشاعه آموزش پایدار

یکی از حوزه‌های فعالیت آموزش مداوم، ترویج، اجرا و تجدید آموزش‌های حرفه‌ای و برنامه‌های آموزشی برای کارگران است. وزارت آموزش و پرورش، علوم، ورزش و فرهنگ ژاپن این پروژه را بطور آزمایشی برای آموزش مستمر، منظم کارگران حرف و صنایع مطرح ساخت که برآورنده نیازهای کارگران و صنایع در اجتماعات محلی است.

این برنامه مبتنی بر استفاده از تسهیلات آموزشی و پژوهشی دانشگاهها و کالج‌های محلی هستند. گسترش نظام‌های اطلاعات یادگیری آموزش مداوم این پروژه به دنبال گزارش اصلاح آموزش که در سال ۱۹۸۶ توسط شورای ملی اصلاحات آموزش آغاز شد هدف این پروژه تشویق همه افراد به گردآوری اطلاعات و توسعه داده‌های کامپیوتری بر اساس توصیف فعالیت‌های یادگیری

مداوم که از سوی جوامع محلی پیشنهاد می‌شود. شهرداریها وساکنان بدین شکل ترغیب به شرکت و فعالیت‌های یادگیری مداوم می‌شوند در پایان سال مالی ۱۹۹۷ تمام مسئولان در ژاپن نظام اطلاعاتی جامعی در زمینه یادگیری مداوم کسب نمودند.

در سال مالی ۱۹۹۵ یارانه ملی برای فعالیت‌های دیگری مداوم جوامع محلی مجموع ۴ میلیون دلار آمریکا شد (Somuchi, 1996).

مشکلات مربوط به برنامه‌های ترویج یادگیری مداوم در

ژاپن

هرچند سرمایه‌گذاری مالی بزرگی روی آموزش مداوم در ژاپن به عمل صورت گرفته اما بنابه ساختار و اجرای برنامه‌های آموزش مداوم مشکلاتی بوجود آمده است بر طبق پیمایش ۱۹۹۵ بر روی یادگیری مداوم که توسط هیئت بازرسان اجرایی و مدیریت و هماهنگی ژاپن انجام شده است. نیاز به اشاعه سیاست‌های یادگیری مداوم در جامعه به‌طور نظام‌دارتر و جامع‌تر بیش از پیش احساس می‌شود.

این پیمایش نشان داد که مسئولان دولت محلی اغلب رغبتی برای برآورد، اجرا و ارزیابی برنامه‌های اشاعه یادگیری مداوم صورت گیرد همچنین هماهنگی بین بخش‌های دولتی و خصوصی موقعی که پروژه‌های آموزش مداوم اجرا می‌شود، وجود ندارد مشکل دیگر مربوط به طول دوره پروژه تشخیصی آموزش‌های غیررسمی و قراردادن آنها در نظام یادگیری مداوم است.

چهارمین شکل اجرا و مدیریت پروژه‌های مختلف اشاعه یادگیری مداوم است که اغلب بقدر کافی جامع و مانع نیست پنجمین شکل مربوط به این واقعیت که یارانه ملی برای راهنمایی مسئولان محلی جهت اشاعه یادگیری مداوم اثربخش نیست.

وقتی موارد خاص ارزیابی می‌شود ریشه علل بسیاری از مسائل مربوط به تمرکززدایی بیش از حد در نظام است مانند مدیریت بالا-پایین و نظام بودجه و از این قبیل. به موازات طرح سیاستهای ملی حرکت ژاپن به سوی اجتماع آموزش مداوم، برنامه‌های درسی ابتدایی و متوسطه جهت ترکیب با اصول و نظریه‌های یادگیری مداوم اصلاح گشت (مونو بوشر، الف، ۱۹۸۹، ۱۹۸۹، ج ۱۹۸۹) درحالی که آموزش پس از مدرسه و یادگیری مداوم در فعالیت مستقل اند اما باید در جهت موفقیت افراد صورت‌گیرند. دروس تجدید نظر شده مورد مطالعه در سال ۱۹۸۹ و آوریل ۱۹۹۲ بر روی مدارس ابتدایی و آوریل ۱۹۹۲ بر روی مدارس سطح اول متوسطه و در آوریل ۱۹۹۴ بر روی مدارس سطح دوم متوسطه تأثیر گذاشت. محتوای این دروس با موضوعات و اهداف خاص ترکیب گشت تا شهروندان را برای قرن ۲۱ آماده سازد.

پرورش شخصیت‌های فرهیخته

به منظور گسترش قابلیت‌های جوانان برنامه‌هایی طراحی گشت که در تمام سطوح آموزش موجب ارتقاء ظرفیت جوانان می‌باشد.

تأکید بر صفات اصلی و فردی دانش آموزان

تأکید بر ارتقاء دانش و مهارت‌های اساسی که برای همه شهروندان ژاپنی لازم است، قرار داد تقویت برنامه‌های آموزشی، مهد کودکها را قادر می‌سازد تا نقش کاملی را به عنوان یک فرد ایفا کنند لذا تجانس برنامه‌های درسی تمام سطوح از مهد کودک تا سطح دوم متوسطه برای هر موضوع کاری ضروری است.

پرورش توانایی یادگیری مستقل

پرورش خلاقیت، توانایی و اشتیاق کودکان بر یادگیری به طور مستقل باید مورد تأکید قرار گیرد.

اشاعه فرهنگ قدرشناسی و درک بین‌المللی

ایجاد نگرش احترام به توسعه ارزشها، افزایش فرهنگها و تاریخچه سایر کشورها در کودکان ایجاد نگرش احترام آمیز به گسترش ارزشها، تنوع فرهنگها، تاریخ سایر ملل، برای همه کودکان ژاپنی ضروری است.

به طور خلاصه دروس تجدید نظر شده بر اهمیت تحول قابلیت و ظرفیت کودکان در جوامعی که به سرعت در حال تغییرند، تأکید دارد و آنها را قادر می‌سازد که مهارت‌های اساسی همچون حل مسئله، تفکر مستقل افزایش یابد. کودکان باید دیدگاه‌هایشان نسبت به یادگیری تغییر کند و از رویکرد باید به خواستن پرسند.

اصلاح محیط یادگیری

کم کردن ساعت تدریس رسمی در ژاپن، حاکی از تغییرات اساسی است. هدف پشتیبانی از گسترش یادگیری در خارج از نظام آموزش رسمی است و وقتی فراهم می‌آورد تا

کودکان با اطرافیان‌شان ارتباط صمیمانه و بیشتری برقرار سازند.

مدارس مضاعف

علیرغم حرکت به سوی کم کردن ساعت تدریس، دانش‌آموزان دچار مشکلاتی شده‌اند از جمله اینکه آنان مجبورند در کلاسهای فشرده و یا خصوصی ثبت‌نام کنند. در پیمایش اخیر، ۷۷ درصد از دانش‌آموزان ابتدایی، ۲۸ درصد از دانش‌آموزان دوره اول متوسطه مجبور به ثبت‌نام در چنین کلاس‌هایی بوده‌اند.

۸۴ درصد از دانش‌آموزان ابتدایی و ۷۸ درصد از دانش‌آموزان اول متوسطه حداقل در یک برنامه آموزش خارج از مدرسه ثبت‌نام کرده‌اند به ویژه والدینی که علاقه‌مند به ادامه تحصیلات فرزندانشان هستند، بر این امر پافشاری بیشتری دارند.

مشکلات رفتاری در بین دانش‌آموزان ژاپنی همچون آزارگری و قلدری شایع است بسیاری از نیازهای دانش‌آموزان ارضاء نمی‌شود و برخی از دانش‌آموزان از رفتن به مدرسه امتناع می‌کنند. در بررسی اخیر معلوم شد برخی از دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه در طی سال ۳۰ روز غیبت می‌کنند (وزارت آموزش و پرورش، علوم، ورزش و فرهنگ ژاپن، ۱۹۹۶)

تعداد دانش‌آموزانی که از رفتن به مدرسه متنفرند، رو به افزایش است. در سال ۱۹۹۴، تقریباً ۷۱۰۰۰ دانش‌آموز ابتدایی و ۱۱۳۰۰۰ دانش‌آموزان دوره اول متوسطه غیبت طولانی مدتی از مدرسه داشته‌اند یعنی ۲۲ درصد از

دانش‌آموزان ابتدایی و ۵۴ درصد از دوره اول متوسطه. (وزارت آموزش و پرورش ژاپن، ۱۹۹۵)

مدلی برای آموزش و پرورش قرن بیست و یکم

در جولای ۱۹۹۶ شورای مرکزی آموزش و پرورش ژاپن که بخش راهنمایی وزارتخانه را بر عهده دارد اصلاح‌دو جنبه را در آموزش و پرورش ژاپن خاطر نشان کرد

۱- ایجاد شوق به زندگی

۲- حفظ آرامش ذهنی

مدرسه باید فضای آرامی فراهم آورد که در آن شوق به زندگی و آرامش خاطر در دانش‌آموزان ایجاد کند.

اصطلاح شوق به زندگی، اصطلاح جامعی است که به موارد زیر اشاره دارد:

- توانایی تشخیص شرایط و مسایلی که برای فرد مطرح

می‌شود، آموختن و تفکر برای خودش، قضاوت کردن، عمل

مستقلانه، جستجوگری و حل مسئله به بهترین شکل،

توانایی انعطاف‌پذیری که می‌تواند ناشی از تجربه امور

زیبای و طبیعت خارق‌العاده باشد که بر عدالت و انصاف

تأکید می‌ورزد و در آن انجام اعمال درست و تنفر از

اعمال نادرست، حفظ حقوق انسانی مسلم دانسته شود و

موجب درکی سرشار از صداقت و توجه به دیگران شود و

کودکان را قادر سازد تا دیدگاه دیگران را درک کنند و قادر

به همدلی با آنان باشند.

داشتن بدن سالم و بنیه قوی برای زندگی فعال و پر حرارت

شوق به زندگی، شرط اصلی یادگیری مداوم است. عنصر اصلی فعالیت‌های خلاق و خودشکوفایی نیاز به درک بین‌الملل دارد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که به منظور پرورش شوق به زندگی باید خانه، مدرسه و اجتماع با هم کار کنند و در یک مشارکت موزون و متعادل بین این نهادها، تعهدات آموزش و پرورش تحقق می‌یابد. علاوه بر این با گسترش فرصت‌های یادگیری برای کودکان، ابهام در آینده برطرف می‌شود. در یک معنا آموزش در مدرسه، خانه و جامعه باید شوق به زندگی را افزایش دهد.

در قرن بیست و یکم آنچه مهم است، تدوین دوباره محتوای دروس و تجدیدنظر در روش‌های تدریس است. کاهش برنامه درسی هدف است. این امر موجب برقراری روابط صمیمانه بین مدارس جوامع محلی می‌گردد تا نقش آموزشی و اختیارات شوراهای محلی افزایش می‌یابد. بخش خصوصی در تجارب درصده تغییر شیوه کار خود هستند به گونه‌ای که والدین بویژه پدران فرصت بیشتری را برای مشارکت در نگهداری و تربیت فرزندشان در خانه، مدرسه و همراهی در فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند.

ساختار مشارکت در آموزش و پرورش

ارتباط ایده‌آل بین مدرسه و آموزش غیررسمی بشدت مورد تأکید مسئولان است. این بدان معناست که کارکرد آموزشی در مدرسه و جامعه باید مکمل همدیگر باشند و هر یک مزایای خودش را به ثبوت برسانند این امر بامشارکت هرچه بیشتر مردم ممکن می‌شود. اخیر

اصطلاح همکاری به خودجوشی تغییر کرده است و این بدان معناست که رفع موانع موجود در آموزش رسمی آموزشگاهی نه تنها در جامعه بلکه در اجتماعات محلی نیز باید تسهیل شود. تمام منابع انسانی برای بهبود کیفیت آموزشی و یادگیری تجهیز می‌شود. یادگیری مداوم، نیازهای فرد و جامعه را برطرف می‌سازد.

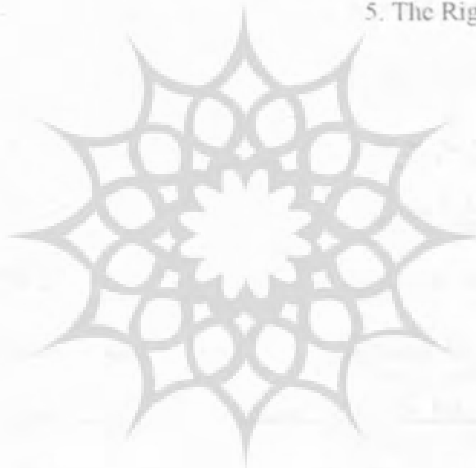
هاشیموتو، رئیس جمهور ژاپن در سخنرانی ۲۰ ژانویه ۱۹۹۷ اظهار داشت که اصلاحات مدرسه باید مبتنی بر یادگیری مداوم باشد (۱۹۹۷، ط ۱۹۹۷). این اهمیت موجب گسترش توانایی‌های مختلف از جمله تفکر خلاق و انتقادی، چالش افراد برای شکوفایی هرچه بیشتر ظرفیت‌هاست و این بر خلاف گذشته است که تأکید بر کیفیت و انحصار بود. دولت آماده تخصیص بودجه بیشتری برای پشتیبانی و حمایت از برنامه‌های ایجاد فرصت یادگیری برای تمامی شهروندان است تا از زندگی لذت ببرند. بدون حمایت دولت مشکلات متعددی درون نظام آموزشی به وجود خواهد آمد. باید با تجدید نظر در نظام ارزشهای سنتی، انتظارات مربوط به تدریس و یادگیری سبک اداره و مدیریت تغییر کرده و انعطاف‌پذیرتر شود.

حرکت کنونی در ژاپن نظام آموزش رسمی را با نظام غیررسمی هماهنگ می‌سازد و نظام واحدی می‌سازند که در آن مدرسه، خانه و جامعه با هم کار می‌کنند، لذا باید در جهت‌گیری‌های آموزش تغییر به وجود آید و یادگیرندگان برنامه‌های درسی رسمی از متخصصان با

تجربه فاقد مدرک بهره جویند تا یادگیری برای یادگیری مطرح باشد.

منابع:

1. Life long learning: the contribution of education systems in the member states of the Europea union, EurydiceSurvey
2. Life long learning; An Instrument for Improving School Education in Japan.
http://www.apcc_hurdit.org/lifelong_learning_book/sawano.html
3. Allender, Choa, Susan, (1999) Australia's Migrants and Refugees. open the door to lifelong learning. AdultMulticultural Education Services Australia.
4. World Education Report 2000
5. The Right to Education, Unesco Publishing.
6. World Data on Education.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی